



The University of Tehran Press

## The Role of the Theory of Common Sense in the Realization of Financial Rights and People's Ownership Rights over Natural Resources of Oil and Gas

Alireza Mohammadi<sup>1</sup> | Mohammad Saber Rad<sup>2</sup>

Ehsan Agha Mohammadaghaee<sup>3</sup>

1. Ph.D. Student in Public Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: [alirezamohammadi20725@gmail.com](mailto:alirezamohammadi20725@gmail.com)
2. Corresponding Author; Assistant Prof. Department of International Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: [m.saberrad@iau-tnb.ac.ir](mailto:m.saberrad@iau-tnb.ac.ir)
3. Assistant Prof. Department of Public Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: [e.ghamohammadaghaee@iau-tub.ac.ir](mailto:e.ghamohammadaghaee@iau-tub.ac.ir)

Article Info	Abstract
<b>Article Type:</b> Research Article	<p>Common sense is defined as awareness, collective wisdom and a populace informed of their rights in a society based on democracy and the constitution. In this theory, the principle is the recognition by the government of the right of people to own natural resources of oil and gas and not to encroach or violate this right. For the full realization of people's rights, it is essential to use the advantages of the country, including its geographical location, its strategic reserves of oil and gas, its cheap labor, as well as removing the existing obstacles preventing the realization people's rights through amendment to the laws, efficient management of the industry and of its revenues. Common sense affirms the necessity of monitoring, transparency and accountability of those responsible regarding their decisions and performance. Common sense also reaffirms the need for responsibility towards public interest and common good as indicators for the realization of good governance and for our country to reach a top position in the region. The main question of this paper is what is the evaluation of the performance record of the authorities regarding the realization of the financial rights of the people in oil and gas natural resources from the perspective of public reason? The actions of the authorities indicate some shortcomings and discrepancies when it comes to the right of ownership and the realization of the financial rights of the people in oil and gas resources, which have been examined in a descriptive and analytical way.</p>
<b>Pages:</b> 469-493	
<b>Received:</b> 2024/01/14	
<b>Received in Revised form:</b> 2024/10/26	
<b>Accepted:</b> 2025/02/03	
<b>Published online:</b> 2026/03/21	
<b>Keywords:</b> <i>Common sense, common property, public interest, efficient management in the oil industry, realization of financial rights of the people.</i>	
<b>How To Cite</b>	Mohammadi, Alireza; Saber Rad, Mohammad; Agha Mohammadaghaee, Ehsan (2026). The Role of the Theory of Common Sense in the Realization of Financial Rights and People's Ownership Rights over Natural Resources of Oil and Gas. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 56 (1), 469-493. DOI: <a href="https://doi.com/10.22059/jplsqt.2025.370987.3468">https://doi.com/10.22059/jplsqt.2025.370987.3468</a>
<b>DOI</b>	10.22059/jplsqt.2025.370987.3468
<b>Publisher</b>	The University of Tehran Press.



انتشارات دانشگاه تهران

## فصلنامه مطالعات حقوق عمومی

شاپا الکترونیکی: ۸۱۳۹-۲۴۲۳

دوره: ۵۶، شماره: ۱

بهار ۱۴۰۵

Homepage: <http://jplsq.ut.ac.ir>نقش نظریه عقل عمومی در تحقق حقوق مالی و حق مالکیت مردم  
بر منابع طبیعی نفت و گاز\*علیرضا محمدی<sup>۱</sup> | محمد صابر راد<sup>۲</sup> | احسان آقا محمد آقایی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران. رایانامه: [alirezamohammadi20725@gmail.com](mailto:alirezamohammadi20725@gmail.com)
۲. نویسنده مسئول؛ استادیار گروه حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران. رایانامه: [m.saberrad@iau-tnb.ac.ir](mailto:m.saberrad@iau-tnb.ac.ir)
۳. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران. رایانامه: [e.ghamohammadaghace@iau-tub.ac.ir](mailto:e.ghamohammadaghace@iau-tub.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
<p><b>نوع مقاله:</b> پژوهشی</p> <p><b>صفحات:</b> ۴۶۹-۴۹۳</p> <p><b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۲/۱۰/۲۴</p> <p><b>تاریخ بازنگری:</b> ۱۴۰۳/۰۸/۰۵</p> <p><b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۳/۱۱/۱۵</p> <p><b>تاریخ انتشار برخط:</b> ۱۴۰۵/۰۱/۰۱</p> <p><b>کلیدواژه‌ها:</b> تحقق حقوق مالی مردم، عقل عمومی، مالکیت عمومی، منفعت عمومی، مدیریت کارآمد در صنعت نفت.</p>	<p>عقل عمومی به معنای آگاهی، خرد جمعی و اطلاع مردم از حقایق و حقوق خود در یک جامعه مبتنی بر دموکراسی و قانون اساسی است. در این نظریه اصل بر به رسمیت شناختن حق مالکیت مردم بر منابع طبیعی نفت و گاز توسط حکومت و عدم تجاوز و تضییع این حق است. برای تحقق کامل حقوق مردم استفاده از مزیت‌های کشور از جمله موقعیت جغرافیایی، دارا بودن ذخایر راهبردی نفت و گاز، نیروی کار ارزان، به‌علاوه برطرف کردن موانع موجود بر سر راه تحقق حقوق مردم از طریق اصلاح قوانین، مدیریت کارآمد در صنعت نفت و درآمدهای آن ضروری است. عقل عمومی بر ضرورت نظارت، شفافیت و پاسخگویی مسئولان در قبال تصمیمات و عملکردشان و مسئولیت‌پذیری در برابر منافع و مصالح عمومی به‌عنوان شاخص‌هایی جهت تحقق حکمرانی خوب و رسیدن ایران به جایگاه برتر حکمرانی در منطقه صحنه می‌گذارد. سؤال اصلی مطرح شده این است که کارنامه مسئولان در تحقق حقوق مالی مردم در منابع طبیعی نفت و گاز از منظر عقل عمومی چگونه ارزیابی می‌شود؟ عملکرد مسئولان حاکی از برخی کاستی‌ها و مغایرت‌ها با حق مالکیت و تحقق حقوق مالی مردم در منابع نفت و گاز است که به شکل توصیفی و تحلیلی بررسی شده است.</p>
<b>استناد</b>	محمدی، علیرضا؛ صابر راد، محمد؛ آقا محمد آقایی، احسان (۱۴۰۵). نقش نظریه عقل عمومی در تحقق حقوق مالی و حق مالکیت مردم بر منابع طبیعی نفت و گاز مطالعات حقوق عمومی، ۵۶ (۱)، ۴۶۹-۴۹۳.
<b>DOI</b>	DOI: <a href="https://doi.com/10.22059/jplsq.2025.370987.3468">https://doi.com/10.22059/jplsq.2025.370987.3468</a>
<b>DOI</b>	10.22059/jplsq.2025.370987.3468
<b>ناشر</b>	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

\* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری با عنوان «تحقق حقوق و منفعت عمومی در بهره‌برداری از منابع طبیعی نفت و گاز در ایران در پرتو اصول حکمرانی خوب با نگاهی به الگوی نروژ» است.

## ۱. مقدمه

در جامعه که قانون بر آن حاکم است، عقل و خرد جمعی مردم در رابطه با حکومت می‌تواند نقش کلیدی و مطلوبی در پیاده‌سازی حکمرانی شایسته ایفا کند. بی‌شک در این جوامع، مردم حقوق خود را به موجب قانون از حکومت مطالبه کرده و عملکرد و رفتار زمامداران را بر اساس این عقل ارزیابی و قضاوت می‌کنند. در اهمیت عقلانیت همین بس که می‌تواند سبب کنترل و قابل محاسبه شدن امور، پیش‌بینی وضعیت مطلوب‌تر و کارایی بهتر نظام تصمیم‌سازی و اجرایی و در یک کلمه حرکت رو به جلوی کشور به سمت توسعه و پیشرفت شود. از آنجایی که عقلانیت در همه ابعاد زندگی بشری و از جمله حقوق مالی مردم نقش مؤثری دارد، این تحقیق به دنبال ارائه الگویی از عقل عمومی به منظور تحقق حقوق مالی مردم در منابع نفت و گاز است. بی‌شک آگاهی مردم از حقوقشان می‌تواند عاملی جهت تضمین و مانعی برای تضييع حقوق آنها باشد. این امر از سویی به مسئولان گوشزد می‌کند که چگونه به وظایف قانونی خود به شکل مطلوب‌تر عمل کرده و از سوی دیگر چگونه بهترین شیوه‌ها و تدابیر را برای رعایت حقوق مردم اتخاذ کنند. برای تحقق حقوق مالی مردم در منابع طبیعی نفت و گاز، به رسمیت شناختن حق مالکیت مردم توسط حکومت و سپس سهیم کردن و مشارکت مردم در اداره امور صنعت نفت و گاز امری ضروری است. همچنین استخراج و استفاده بهینه از منابع نفت و گاز و رعایت حقوق نسل‌های آتی در این منابع و حفظ مصالح آنها از وظایف حتمی دولت‌هاست. در واقع عقل عمومی یکی از شاخصه‌های ضمانت حقوق مالی مردم در منابع نفت و گاز است. به عبارت دیگر عقل عمومی دلالت بر آن دارد که این حق باید از سوی حکومت محترم شناخته شود و از سوی دیگر این حق را برای مردم ایجاد می‌کند که آن را از حکومت مطالبه کنند.

شایان ذکر است که مالکیت عمومی بر منابع نفت و گاز به معنی مالکیت دولت بر این منابع نیست، بلکه به این معناست که به دلیل رعایت و صیانت از منافع عمومی و اینکه امکان اداره صنعت نفت توسط آحاد افراد جامعه به دلایل گوناگون (اقتصادی، فنی، فناوری، مدیریتی و...) وجود ندارد، اداره آن به دولت سپرده شده است. بدیهی است که در تصرف داشتن این اموال توسط دولت به معنی امانی بودن آن و همچنین با توجه به رعایت منافع صاحبان مال مورد امانت است، از این رو بر اساس تصریح اصل ۴۵ قانون اساسی توجه به مصالح<sup>۱</sup> مردم امری ضروری است. حق مالکیت مردم بر منابع نفت و گاز به معنی قرار گرفتن منافع این منابع در خدمت رفاه مردم، عدم انحصار قدرت اقتصادی در دست دولت و احساس بی‌نیازی از مردم و جلوگیری از خودکامگی حکومت است. لزوم تبیین نظریه که به شکل ملموس به تشریح یکی از مفاهیم کاربردی حقوق عمومی با استفاده و تمرکز بر الگوی ناب عقل عمومی (با توجه به

۱. مفهوم مصلحت در این اصل به جای مفهوم منفعت به کار گرفته شده است (گرچی، ۱۳۹۶: ۱۳۹).

مغفول ماندن آن) بپردازد، ضرورتی انکارناپذیر به نظر می‌رسد. حال سؤالی مهمی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که عقل عمومی چه نقشی می‌تواند در تحقق حقوق عامه در انفال و ثروت‌های عمومی در بخش نفت و گاز داشته باشد؟ ارزیابی عقل عمومی از کارنامه و عملکرد حکومت و مسئولان صنعت نفت در خصوص رعایت حقوق مالی مردم چیست؟

## ۲. مبانی نظریه عقل عمومی در تحقق حقوق مالی و حق مالکیت مردم بر منابع طبیعی نفت و گاز

عقل عمومی، عقل شهروندان آن جامعه است. در جامعه مبتنی بر عقل عمومی شهروندان ضمن آگاهی کامل از حقوق خود به خوبی از وظایف حکومت نیز آگاهی دارند. نمایندگان خود را در تمام سطوح آزادانه انتخاب می‌کنند، در اداره امور کشورشان مشارکت می‌کنند. بر اعمال حکومت نظارت کرده و به شکل قانونی حقوق خود را از زمامداران مطالبه و در صورت لزوم آزادانه نظرهای خود را بیان و نقاط ضعف عملکرد مسئولان را به آنها گوشزد می‌کنند. در واقع عقل عمومی حکومت را به سوی پیاده‌سازی حکمرانی خوب (که موجب تحقق حقوق مردم و ارتقای سطح اعتماد عمومی می‌شود) (Hackney Press, 2005:1) و خدمت بیشتر به مردم سوق می‌دهد.

به موجب بند ۸ اصل ۳ قانون اساسی دولت موظف است، زمینه مشارکت عامه مردم را در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌شان فراهم سازد. همچنین به موجب اصل ۶ قانون اساسی امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود. اصل ۲۰ قانون اساسی نیز به صراحت اعلام می‌دارد که همه افراد ملت باید از حقوق اقتصادی برخوردار شوند.

با دقت در قیدهای اصل ۴۴ قانون اساسی به خوبی مشخص می‌شود که حق مالکیت دیگر جزء حقوق طبیعی و مربوط به شخصیت انسان نیست، بلکه وسیله‌ای است برای حفظ منافع عمومی و تنها در صورتی مورد حمایت قرار می‌گیرد که شیوه اکتساب و اجرای آن در مسیر هدف‌های قانونگذار باشد (صالح احمدی، ۱۴۰۰: ۲۱۴). با توجه به اصل ۴۰ قانون اساسی نیز آخرین حد آزادی مالک و حق مالکیت در مفهوم جدید عدم اضرار به جامعه و یا عدم تجاوز به منافع عمومی شناخته شده است. (صالح احمدی، ۱۴۰۰: ۱۹۱)

از اصل ۴۴ قانون اساسی چنین برداشت می‌شود که معادن بزرگ به‌ویژه معادن نفت و گاز از اموال عمومی است و دولت مالک مخازن نیست و صرفاً اداره آنها را بر عهده دارد (امین‌زاده و نیک‌بخش شرفشاده، ۱۳۹۴: ۶). به عبارت دیگر از اصول ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی چنین استنباط می‌شود که مالکیت منابع طبیعی نفت و گاز (که جزء معادن، انفال و ثروت‌های عمومی محسوب می‌شوند) عمومی است، یعنی متعلق به شخص خاصی نیست (شیروی، ۱۳۹۷: ۱۷۳). از این رو در اختیار بودن ثروت‌های عمومی

در دست حکومت اسلامی، لزوماً به مفهوم مالکیت این منابع نیست. از نظر فقهی نیز مالکیت این منابع جزء مسائل مستحدثه است. از این رو همراه شدن عبارت ثروت‌های عمومی با واژه انفال در قانون اساسی و قانون نفت اماره و قرینه محکمی بر عمومی بودن مالکیت منابع نفتی در ایران است (بهمنی و آرین، ۱۳۹۷: ۱۴). در نتیجه مالکیت این منابع به‌طور مسلم و قطعی متعلق به عموم مردم است. مالکیت عمومی به این مفهوم است که این اموال اگرچه مالک خاص ندارد و ملک شخص خاصی نیست (که به هر شکل که می‌خواهد در آن تصرف کند)، لیکن مالک عام دارد. بدین معنی که مالک واقعی این اموال مردم هستند و این اموال تا روزی که نفتی برای استخراج وجود داشته باشد، اختصاص به آحاد مردم کشور و حتی نسل‌های آتی دارد (فلسفه وجودی چنین مالکیتی احترام به مصالح آیندگان نیز است). از این رو بهره‌برداری و استفاده بهینه از این منابع جزء وظایف دولت است. برای روشن شدن بهتر مطلب به‌طور مثال، همان‌گونه که در علم فیزیک گفته می‌شود، انرژی از بین نمی‌رود، بلکه از شکلی به شکل دیگر تبدیل می‌شود. در مورد منابع نفت و گاز نیز باید به این اصل عمل و از آن استفاده کرد. بدین معنی که اولاً، تولید و مصرف آن باید به شکل بهینه صورت گیرد؛ ثانیاً، منابع مالی حاصل از فروش نفت و گاز باید صرف سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها پربازده و بازارهای مطمئن و پرسود مالی شود تا ضمن حفظ اصل مال از سود حاصل از آن برای رفاه نسل کنونی بهره جست. با این کار علاوه بر کسب سود و استفاده از آن اصل سرمایه نیز حفظ می‌شود، اتفاقی که در میان می‌افتد، تبدیل منابع زیرزمینی به منابع مالی است که قابل استفاده برای نسل‌های آینده است. در واقع با تخصیص بهینه منابع مالی حاصل از صادرات و فروش نفت می‌توان درصد رشد و کارایی اقتصادی را به حداکثر رساند (Breyer, 1979: 549-609).

امروزه افکار و عقل عمومی جامعه با آگاهی از وضعیت (حال و گذشته) صنعت نفت با صدای رسا حقوق خود را مطالبه می‌کند. پیام روشن عقل عمومی مردم برای مسئولان رعایت و صیانت از حقوقشان و اداره خوب صنعت نفت توسط دولت، پیشگیری و مبارزه با فساد<sup>۱</sup> جهت تحقق حقوق مردم و دستیابی به سطوح بالاتری از رفاه و منفعت عمومی برای آحاد افراد جامعه است.

### ۳. تبیین نظریه عقل عمومی در تحقق حقوق مالی و حق مالکیت مردم بر منابع طبیعی نفت و گاز

عقل عمومی مکمل و مؤید حقوق مالی و حق مالکیت مردم بر منابع نفت و گاز و مقوم عملکرد مسئولان در اداره منابع نفت و گاز و منابع مالی آن است. برای اداره بهتر صنعت نفت و منابع مالی آن اتخاذ راهبرد یکپارچه و منسجم همراه با مدیریت مدبرانه، آگاهانه و مسئولانه جهت ارتقا و شکوفایی این صنعت ضروری است.

۱. زیرا پیامد فساد ناکارآمدی اقتصادی (فساد مانع سرمایه‌گذاری بلند خارجی و داخلی، سوق استعدادها به فعالیت‌های رانتی و انحراف اولویت‌های ملی) است (مقدری، ۱۴۰۰: ۱۳۲).

حقوق مالی در منابع نفت و گاز نشأت گرفته از حق مالکیت مردم بر این منابع است. این حق ایجاد می‌کند که مردم (نسل کنونی و حتی نسل آینده) از منافع حاصل از فروش و صادرات آن برخوردار شوند. بدیهی است که به موجب قانون صیانت از این منابع وظیفه دولت است. احترام به حقوق مردم در این بخش به معنی رعایت مصالح و منافع مردم و عدم تضییع این حقوق در تمامی مراحل برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اقدامات اجرایی یعنی استفاده از فرصت‌های پیش‌رو، تولید بهینه و استفاده از فناوری‌های روز دنیا، احترام به محیط زیست و عدم آلودگی آب، خاک و هوا، اجتناب از خام‌فروشی، تولید محصولات با ارزش افزوده بیشتر، صیانت از منابع مالی و مسئولیت کامل دولت در هزینه کردن قانونی درآمدهای آن (رحمت‌الهی و آقا محمدآقایی، ۱۳۹۹: ۲۰۷) به منظور اداره بهینه این منابع توسط دولت است.<sup>۱</sup>

برای تبیین بهتر مطلب در اینجا به مفاهیم و تعاریف کلیدی مرتبط با موضوع می‌پردازیم:

- مصلحت عمومی: مصلحتی است که اختصاص به یک شخص یا گروه خاصی ندارد و منافع و مزایای آن همه مردم یا جمع کثیری از شهروندان را در برمی‌گیرد. بدین معنی که عمومیت مصلحت موجب می‌شود که همه افراد جامعه به صورت بالفعل یا بالقوه مشمول آن قرار گیرند. توجه به مصلحت عموم مردم به‌عنوان وظیفه دولت اقتضا دارد که نظام سیاسی حاکم در راستای خیر و مصلحت مردم حرکت کند و هر امری را که به سود و صلاح عموم افراد جامعه است و سبب بهره‌مندی عامه شهروندان می‌شود، مدنظر قرار دهد و به‌عنوان وظیفه اساسی خود تلقی کند (رحمت‌الهی و آقا محمدآقایی، ۱۳۹۹: ۱۳۵).

- نظارت: در لغت به معنی زیرکی و فراست، نگرستن به چیزی، نظر کردن، مراقبت و تحت نظر و دیدبانی داشتن کاری و همچنین مراقبت و اعمالی که ناظر با دقت و هوشیاری در امر مأمور انجام می‌دهد. نظارت، مهم‌ترین شاخصه عقل عمومی است. برای تحقق دولت قانون‌مند و تحقق حقوق مردم در بخش منابع طبیعی نفت و گاز لازم است سازمان‌ها و مقام‌های عمومی در این حوزه تحت نظارت‌های رسمی (درون حکومتی) و غیررسمی (برون حکومتی) قرار گیرند (رحمت‌الهی و آقا محمدآقایی، ۱۳۹۹: ۱۶۳).

- مسئولیت‌پذیری: به‌عنوان شاخصه عقل عمومی و الگوی حکمرانی خوب، معیار ایفای تکالیف قانونی دولت است. اصل مسئولیت‌پذیری دولت، اقتضا دارد که مقامات عمومی با جدیت به تکالیف قانونی خود عمل کنند و از هرگونه اهمال‌کاری و بی‌توجهی به منافع و اموال عمومی خودداری کنند (رحمت‌الهی و آقا محمدآقایی، ۱۳۹۹: ۲۰۵).

- پاسخگویی: به‌عنوان یکی از شاخصه‌های عقل عمومی و حکمرانی خوب است. پاسخگویی مسئولان در قبال تصمیمات و اقدامات اجرایی‌شان و همچنین پاسخگویی مالی دولت، به معنی مسئولیت

۱. همه این موارد می‌توانند تبعات مثبت و منفی مالی برای مردم و اقتصاد کشور به‌همراه داشته باشند و حقوق مردم را تحت تأثیر قرار دهند.

کامل دولت در خصوص نحوه فروش و صادرات نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن و نحوه هزینه کردن آن در مقابل مجلس، دستگاه‌های نظارتی و مردم است.

- بهره‌گیری به‌هنگام از امکانات کشور و موقعیت‌های پیش‌رو بر اساس عقلانیت: ششم و درک مسئولان از نحوه تعامل و برقراری روابط تجاری سودمند با سایر کشورها و رفع موانع و تسهیل صادرات نفت و گاز و فراورده‌ها و مشتقات نفتی، با لحاظ عوامل و عناصر ژئواستراتژیک (از جمله جامعه و رفاه اقتصادی آن و...)، بهره‌گیری از مزیت وجود ذخایر راهبردی نفت و گاز، تقویت موقعیت ژئواکونومیک و استفاده از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک کشور «به‌عنوان بخش کلیدی کریدور شمال جنوب (INSTC)، همچنین ظرفیت ایران برای تبدیل شدن به هاب گازی منطقه وجود دارد. این امر با توجه به اسناد بالادستی «بند (ت) ماده ۴۴ برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت» تکلیف قانونی برای دولت و یک ضرورت مهم است (پیش از این به‌نظر می‌رسید که روسیه با توجه به مذاکرات قبلی و منافع خود تمایل به فروش گاز خود از طریق ترکیه به اروپا دارد که در این صورت ایران دیگر شانس برای تبدیل شدن به هاب گازی منطقه نداشت. اما با توجه به متوقف شدن مذاکرات با ترکیه و در پی مذاکرات شرکت ملی گاز ایران با گس پروم روسیه و در پی توافق دو کشور (در صورت اجرایی شدن آن)، ایران فرصت مناسب مجددی برای تبدیل شدن به هاب گازی منطقه را به‌دست آورده است. بر اساس توافق راهبردی انجام‌شده بین تهران و مسکو بر سر انتقال گاز روسیه به ایران (۶ تیرماه ۱۴۰۳)، ایران بخشی از گاز روسیه را وارد می‌کند و تعامل گازی بین دو کشور به‌صورت خرید و فروش گاز و نه سوآپ آن تعریف شده است)، همچنین با توجه به داشتن مرز مشترک با ۱۳ کشور امکان صادرات و سوآپ نفت و گاز از طریق خطوط لوله»، وجود بازار بالقوه و تقاضای جهانی برای نفت و گاز همه این موارد موجب افزایش قدرت سیاسی و اقتصادی کشور می‌شود، در واقع انرژی می‌تواند یکی از مؤلفه‌های قدرت ایران باشد. اما این قدرت چگونه به‌دست می‌آید؟ این امر با عزم جدی حکومت، وجود قوانین مدون، دیپلماسی فعال انرژی (از طریق عضویت در پیمان‌های منطقه‌ای و انعقاد معاهدات دوجانبه و چندجانبه)، داشتن برنامه راهبردی جهت اداره بهینه منابع موجود کشور، بهره‌گیری از تجارب متخصصان و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، استفاده از فناوری روز جهان و با کمک بخش خصوصی داخلی و نخبگان جامعه امکان‌پذیر است.

#### ۴. الزامات عقل عمومی در تحقق حقوق مالی مردم در منابع نفت و گاز

یکی از مصادیق عقل عمومی تحقق حق مالکیت و حقوق اقتصادی مردم در منابع طبیعی نفت و گاز است. این نظریه الزاماتی دارد که شناخت دقیق مبانی آن می‌تواند در فهم و روشن شدن بهتر موضوع و جنبه‌های کاربردی آن برای مسئولان و مردم مفید باشد. این نظریه از چند حیث قابل بررسی است:

اول- عقل عمومی حکم می‌کند حق مالکیت عموم مردم بر منابع طبیعی نفت و گاز به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق بنیادین مردم از سوی حکومت به رسمیت شناخته شود.

دوم- رعایت، تضمین و محترم شناختن حق مالکیت مردم بر منابع طبیعی نفت و گاز از وظایف حتمی حکومت است. از این‌رو بی‌توجهی به این امر از مصادیق بارز تضییع حقوق مردم و مخالف با عقل عمومی جامعه است.

سوم- عقل عمومی به معنی آگاهی مردم از حقوقشان و مطالبه آن از حکومت است. این امر از سویی نشانه بلوغ و شناخت و اطلاع از این حقوق و از طرف دیگر موجب مسئولیت مضاعف حکومت در جهت تحقق کامل این حقوق است.

چهارم- آگاهی نمایندگان مجلس و نهادهای نظارتی، قوه قضاییه و قضاتی که پرونده‌های فساد، اختلاس و تخلفات را مورد رسیدگی قرار می‌دهند. بی‌شک ناآگاهی از مسائل مرتبط با این حوزه سبب سوءاستفاده فرصت‌طلبان و تجاوز به حقوق مالی مردم در منابع نفت و گاز و مخالف با منافع و عقل عمومی جامعه است؛

پنجم- مردم مالکان حقیقی منابع طبیعی نفت و گاز و صاحبان اصلی سرمایه‌های صندوق توسعه ملی هستند. از این‌رو دولت که به نمایندگی از مردم اداره این منابع را در اختیار دارد، بر اساس عقل عمومی جامعه ضروری است که حکومت نظرها و خواسته‌های مردم را جهت رسیدن به اهداف اقتصادی کشور و تحقق کامل حقوق مالی مردم مدنظر قرار دهد.

ششم- نبود قوانین جامع، لازم و کافی در حوزه نفت و گاز سبب شده است که خلأ قانونی مسیر را برای غارت اموال عمومی هموار کند. وجود قوانین جامع مصوب مجلس می‌تواند سبب مسدود شدن ابواب فساد شود. در واقع سوءاستفاده‌گران و فرصت‌طلبان از ناآگاهی مردم و دستگاه‌های نظارتی و قانونی و ضعف و خلأ قوانین در سال‌های اخیر در جهت رسیدن به اهداف خود سوءاستفاده و اموال عمومی را غارت کرده‌اند و در این راه از تمام معضلات، حوادث رخ داده و از تمام ابزار موجود جهت رسیدن به اهداف نامشروع خود از قبیل تحریم، جنگ، مشکلات ارزی و بانکی در مورد پرداخت بهای نفت فروخته‌شده به سایر کشورها (این کشورهای فرصت‌طلب عبارت‌اند از: هند، کره جنوبی، ژاپن، عراق، چین و امارات متحده عربی که با مسدودسازی پول نفت خریداری شده و عدم پرداخت آن به ایران موجب از دست رفتن فرصت‌های اقتصادی، جهت توسعه و پیشرفت، عقب‌ماندگی اقتصادی، ضرر و زیان ایران شده‌اند) بهره جستند.

هفتم- به حکم عقل عمومی، مالکیت مردم بر منابع نفت و گاز ایجاب می‌کند که بر این منابع که به‌طور امانت در اختیار دولت است، نظارت داشته باشند. در واقع نظارت حق مردم است. از این‌رو ضروری است که زمینه لازم برای این کار توسط دولت فراهم شود.

هشتم- به حکم عقل عمومی فروش نفت و مشتقات آن باید با ارزشهای با ارزش بین‌المللی انجام گیرد. از آنجایی که این منابع در دست دولت امانت است، از این رو لازمه این امر رعایت منافع و حقوق مردم است. از این رو فروش نفت با تخفیفات نجومی و خارج از عرف معمول کار صحیحی نیست و موجب به وجود آمدن شائبه بی‌توجهی به حقوق مردم می‌شود.

نهم- امروزه عقل عمومی، تنویر افکار عمومی و آگاهی مردم از حقوقشان در همه ابعاد خود امری ضروری و غیرقابل تردید است و به‌خصوص در مورد حق مالکیت مردم بر منابع نفت و گاز کشور در این مورد دانشگاه‌ها، مطبوعات و رسانه‌های عمومی و تخصصی می‌توانند نقش بسزایی داشته باشند.

دهم- قانون اساسی و عقل عمومی حکم می‌کنند که مردم در اداره امور کشور مشارکت داشته باشند. در واقع حق مشارکت همگانی یکی از راه‌هایی است که مانع بروز فساد و سوءاستفاده از قدرت و غارت اموال عمومی به اشکال مختلف آن می‌شود و زمینه رشد اقتصادی کشور را فراهم می‌کند.

یازدهم- کنترل و نظارت مردم بر اعمال زمامداران از طریق انتخاب و گزینش نمایندگان مجلس و رئیس‌جمهور (دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی) شهروندان را قادر می‌سازد از طریق سیاست دموکراتیک و پیروی از عقل عمومی نظرهای خود را اظهار کرده و اقدامات مناسبی را برای دفاع از حقوق خود اتخاذ کند.

دوازدهم- عقل عمومی اقتضا می‌کند که مردم بر اعمال دولت نظارت کنند. پاسخگو بودن دولت در

قبال تصمیمات و اقدامات اجرایی در برابر مردم و افکار عمومی، موافق با عقل عمومی و زمانی کارساز است که مردم آن جامعه که به سرنوشت خود علاقه‌مند و دارای فهم سیاسی و حقوقی صحیحی از اوضاع و

احوال و مصالح کشورشان هستند، بر اعمال دولت نظارت کنند. سنجش و ارزیابی عملکرد دولت به چند طریق امکان‌پذیر است: اول- توسط مردم، افکار عمومی و مطبوعات؛ دوم- توسط مجلس، (عملاً ما شاهد

آن هستیم که نمایندگان مجلس از عدم شفاف‌سازی از میزان صادرات و درآمدهای حاصل از آن توسط وزارت نفت به مجلس با توجیه محرمانه بودن، گله‌مندند). سوم- توسط احزاب و نهادهای مدنی؛ چهارم-

توسط سایر نهادهای نظارتی مانند سازمان بازرسی و دیوان محاسبات کشور؛ اصولی که بر نظارت مؤثر و خوب حاکم است عبارت‌اند از: اول- آگاهی ناظر بر موضوع مورد نظارت؛ دوم- داشتن اختیار کامل ناظر در

امر نظارت، سوم- وجود ضمانت‌های قانونی جهت رسیدگی انحرافات و تخلفات احتمالی به حکم عقل عمومی؛ نتیجه عملی نظارت مالی بر اعمال دولت در اموالی که متعلق به عموم مردم است، حفظ و رعایت

حقوق آنها در منابع طبیعی نفتی و گازی است. به این نحو که استخراج نفت و گاز باید بهینه صورت گیرد، فروش آن باید بر اساس منافع و مصالح مردم باشد، همچنین منابع مالی حاصل از فروش باید به شکل

صحیح در بازارهای مالی سودآور یا صنایع مولد اشتغال‌زا سرمایه‌گذاری شده و مقداری از سود آن هم صرف هزینه‌های جاری دولت (بر اساس قانون بودجه سالانه کشور مصوب مجلس) شود.

سیزدهم- در راستای منافع<sup>۱</sup> و عقل عمومی ضروری است که نفت خام و گازهای همراه نفت به منابع ثانوی با ارزش افزوده بالاتر تبدیل شده و آنگاه صادر شود (همانند کشورهای روسیه، قطر، عربستان، امارات متحده عربی و کویت). مجلس و وزارت نفت با اتخاذ سیاست‌های اصولی و پرهیز از خام‌فروشی می‌توانند ضمن شکوفایی اقتصادی کشور زمینه را برای کسب منفعت عمومی فراهم کنند. درازمدت اینکه رتبه سوم صادرات نفت خام را در بین کشورهای صادرکننده نفت اوپک داشته باشیم، افتخاری برای کشور محسوب نمی‌شود، زیرا خام‌فروشی منابع با ارزش نفتی یکی از مصادیق اتلاف منابع است. افزون بر اینکه تقاضا جهانی برای سوخت فسیلی در سال‌های آینده نیز به تدریج کاهش پیدا خواهد کرد. شایان ذکر است که در کنفرانس سازمان ملل متحد در زمینه تغییرات اقلیمی موسوم به «کاپ ۲۸» (COP28 (2023)) در دبی نمایندگان نزدیک به دویست کشور توافق کردند، کاهش تدریجی مصرف جهانی سوخت‌های فسیلی را برای جلوگیری از تشدید تغییرات آب‌وهوایی آغاز کنند، نتیجه عملی این دست از توافقنامه‌ها در آینده مساوی با ارزان شدن قیمت جهانی نفت خام و کاهش درآمدهای نفتی کشورهای تولیدکننده نفت و از جمله ایران است (محمدی، ۱۴۰۲: ۴۰). از این رو برای حفظ ارزش منابع نفت و گاز ضروری است، با برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری مناسب و گسترش مجتمع‌های پتروشیمی (تکمیل زنجیره پایین دستی و تولید محصولات متنوع و جدید) و پالایشگاه‌ها کوچک با کسب رتبه برتر صادرکنندگان فرآورده‌ها و محصولات ثانویه نفتی، ضمن صیانت از منابع نفت و گاز با تولید محصولات با ارزش افزوده بالا اسباب پیشرفت صنعت، رشد اقتصادی و توسعه کشور و منفعت عمومی را نیز فراهم کرد.

چهاردهم- به دلیل تعلق مالکیت نفت و گاز به عموم مردم باید منفعت آن نیز نصیب عموم مردم شود. این منابع به‌عنوان یک ثروت ملی و عمومی نباید در اختیار اشخاص خاص یا منافع افراد خاص قرار گیرد. بنابراین استفاده حداکثری از این منابع به معنای حداکثرسازی منفعت ملی است که باید در دستور کار دولت قرار گیرد. تولید صیانتی از منابع نفت و گاز، استفاده بهینه از گازهای همراه نفت و عدم هدرروی آن، توسعه میادین مشترک، تقویت و افزایش توانمندی شرکت داخلی شاغل در حوزه نفت و گاز از مصادیق منفعت عمومی از این منابع است. حال اگر گفته شود که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، کشور شرایط عادی ندارد و با مشکلاتی مانند جنگ، تحریم‌های بین‌المللی روبه‌روست، در نتیجه در شرایط اضطراری توقع انجام امور زیربنایی، توسعه‌ای، تکنولوژیک و سرمایه‌گذاری در صنعت نفت به شکل روتین و معمول وجود ندارد. در پاسخ باید گفت به‌عنوان یک وظیفه لازم است نظام با اتخاذ تدابیر و سیاست‌های صحیح و اصولی و با استفاده از تمام ابزار و امکانات موجود از این شرایط گذر کند و مسلماً هنر حکومت

۱. منافع در معنای گسترده بر نوعی از فایده یا امتیاز دلالت می‌کند (گرچی، ۱۳۹۶: ۱۳۴).

مدبر آن است که در تعاملات بین‌المللی خود با سایر کشورها و همچنین در اداره امور کشور تمام مساعی خود را در جهت ارتقا و بهبود وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور مصروف دارد.

پانزدهم- به حکم عقل عمومی حمایت از بخش خصوصی و صنایع و شرکت‌های داخلی در بخش نفت و گاز از وظایف دولت است. این امر می‌تواند سبب پیشرفت صنایع داخلی، دستیابی به فناوری روز دنیا با اتکا به نیروهای متخصص داخلی، ایجاد اشتغال برای نیروهای کار داخلی و حتی پس از رفع نیازهای داخلی زمینه را برای صادرات خدمات فنی و مهندسی فراهم کند و در ضمن از خروج ارز و سرمایه کشور جلوگیری کند و مانع مهاجرت نیروهای متخصص داخلی شود. نکته مهم در زمینه اجرای پروژه‌های صنعت نفت و گاز فراهم کردن شرایط عادلانه، مساوی و منصفانه برای همه کسانی است که متقاضی اجرای آنهاست. بی‌گمان وجود رانت و سپردن پروژه‌های صنعت نفت و گاز به اشخاص خاص و سفارش شده موجب تضییع حقوق دیگران و مخالف با مصلحت و عقل عمومی و از مصادیق بارز فساد و تعارض منافع است.

شانزدهم- بین عقل عمومی و ولایت فقیه رابطه مستقیم وجود دارد. به‌طور مثال در اجازه برداشت از منابع مالی صندوق توسعه ملی به‌عنوان یکی از مصادیق انفال که متعلق به عموم است، از سویی عقل عمومی می‌تواند بر تصمیمات اقتصادی تأثیرگذار باشد و از سوی دیگر، ولی فقیه به‌عنوان نهاد رهبری، مسئولیت‌های ویژه‌ای دارد و می‌تواند در امور مختلف جامعه، از جمله مسائل اقتصادی و مالی، تصمیم‌گیری کند. ارتباط این دو را می‌توان به این شکل تبیین کرد که ولی فقیه در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، به عقل عمومی و نیازهای مردم توجه می‌کند، اما در عین حال، صلاح کشور و نظام نیز در نظر گرفته می‌شود. در نهایت، برداشت از صندوق توسعه ملی نیاز به هماهنگی بین نظرهای عمومی و رهنمودهای ولی فقیه دارد که تصمیمات بهینه و متناسب با منافع کل جامعه گرفته می‌شود. مجموعه موارد مذکور را تحت عنوان بایسته‌های (الزامات و ضرورت‌های تحقق) حق مالکیت مردم بر انفال و لزوم بهره‌مندی آنها از ثروت‌های عمومی در بخش نفت و گاز می‌توان اطلاق کرد. بی‌شک حفاظت و پاسداری از این اموال و حقوق مردم در این حوزه از وظایف اصلی دولت است.

## ۵. ارزیابی عملکرد مسئولان در خصوص حقوق مالی مردم در منابع نفت و گاز

با بررسی وضعیت گذشته و حال صنعت نفت عملکرد مسئولان در مواجهه با حقوق مالی مردم با توجه به عقل عمومی در دو بخش سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و امور اجرایی صنعت نفت و گاز قابل ارزیابی است که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

## ۵.۱. سیاستگذاری و برنامه‌ریزی اقتصادی در صنعت نفت و گاز

بی‌گمان اندیشیدن تدابیر و راهکارهای قانونی، عملی و تلاش مستمر برای تحقق حقوق مردم توسط تمام ارکان حکومت از طریق برنامه‌ریزی اصولی و سیاستگذاری صحیح و آینده‌نگر و اجرای به‌موقع آنها توسط مجریان ضروری است. در ارزیابی سیاست‌های کلی حاکم بر صنعت نفت در مواجهه با عقل عمومی می‌توان به امور زیر اشاره کرد:

اول - تدوین برنامه جامع، اختصاصی، آینده‌نگر و منطبق بر اصول اقتصادی در خصوص سیاست انرژی کشور با استفاده از تجارب کشورهای موفق در این عرصه (مانند نروژ، آلمان، سوئد، دانمارک، چین و ژاپن) همچنین نظرهای صاحب‌نظران و متخصصان داخلی به‌عنوان نقشه راه آینده انرژی کشور از ضروریات عقلی جهت تولید و مصرف بهینه انرژی در کشور است. به حکم عقل سلیم، با وجود مرجع قانونی (شورای عالی انرژی)، سیاست انرژی تاکنون توسط این مرجع جهت اجرا اعلام نشده است. این در حالی است که سیاست‌های کلی نظام در بخش انرژی و اصل ۴۴ قانون اساسی توسط رهبری اعلام شده است؛ اما هنوز در عمل به‌طور کامل محقق نشده و یا ناقص عمل شده است. بی‌شک فقدان سند جامع راهبردی واحد در مورد سیاست انرژی (در بخش وزارت نفت، نیرو و انرژی‌های نو که شامل تعیین اولویت کشور در استفاده از انواع انرژی‌ها، نحوه تولید و مصرف بهینه انرژی، وظایف دستگاه‌های مسئول و...) که بخش انرژی را به‌طور کلان مدیریت کند، در بین اسناد بالادستی کشور خالی است. قطعاً لزوم حضور فعال و مؤثر تمام وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های متولی انرژی و همچنین بخش خصوصی به‌منظور اجرای واحد و هماهنگ سیاست‌های تدوین شده در بخش انرژی حائز اهمیت است.

دوم - سیاست ایجاد اشتغال و حمایت از سرمایه انسانی و نیروهای متخصص کشور، اجرای طرح‌ها و پروژه‌های صنعت نفت و گاز توسط شرکت‌ها و پیمانکاران داخلی توانمند و دانش‌بنیان که از توان عملیاتی، اجرایی و تخصصی برخوردار باشند (این امر سبب اشتغال‌زایی و حمایت از سرمایه انسانی و نیروهای متخصص کشور می‌شود). در این خصوص نیز دولت باید از آنها حمایت (از طریق عقد قراردادهای بهره‌برداری از منابع نفتی و همچنین ساخت قطعات صنعت نفت به آنها، اعطای مشوق‌ها، معافیت‌های مالیاتی و مجوزها لازم برای فعالیت و...) و زمینه رشدشان را فراهم سازد.<sup>۱</sup> بدیهی است که در مورد پروژه‌ها و طرح‌های که در داخل کشور و با توان داخلی قابل اجراست، همواره اولویت باید با شرکت‌ها و پیمانکاران داخلی باشد. عملکرد دولت در این خصوص مبین آن است که هرچند تاکنون اقداماتی در زمینه استفاده از ظرفیت و توان شرکت‌های داخلی و دانش‌بنیان صورت گرفته است، اما هنوز تا تحقق و رسیدن به وضعیت مطلوب فاصله معناداری وجود دارد.

۱. پیله‌فروش و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸

سوم- دولت در راستای سیاست‌های اقتصاد کلان کشور در استفاده بهینه از منابع نفتی باید اصل را در تبدیل نفت خام به محصولات با ارزش قرار دهد، در واقع خام‌فروشی به‌مثابه اتلاف منابع با ارزش تجدیدنپذیر است که متعلق به نسل کنونی و آتی است. در صورتی که به‌طور مثال تبدیل نفت خام به محصولات پتروشیمی می‌تواند ارزش ده‌ها برابری برای نفت خام ایجاد کند.

در این خصوص در سال‌های گذشته تلاش‌هایی صورت گرفته و توفیقاتی هم حاصل شده است، اما تا رسیدن به وضعیت مطلوب راه زیادی وجود دارد. در ایران استفاده عقلایی از منابع نفتی و خودداری از خام‌فروشی امری است که به آن توجه و نگاه جدی نمی‌شود، هرچند که مسئولان صنعت نفت بر این امر تأکید می‌کنند، اما بین حرف و عمل فاصله زیادی وجود دارد. از این‌رو لازم است سیاستگذاری اصولی همراه با اقدامات عملی و عاجل جهت تحقق کامل این امر صورت گیرد.

چهارم- سیاست مولدسازی سرمایه، عقل عمومی حکم می‌کند که عواید فروش نفت، صرف پیشرفت و شکوفایی اقتصاد کشور شود. وجود دولت امین و معتمد که خادم همه مردم است، ضمانت اصلی اجرای این امر است. بدین معنی که اگر عواید فروش نفت صرف ایجاد صنایع مولد و سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی کشور شود، این امر سبب شکوفایی اقتصاد، همچنین پیشرفت و ترقی کشور خواهد شد. به‌عبارت دیگر اگر مردم بر این باور باشند که درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز را بر اساس قانون و مصالحشان به دور از هرگونه اسراف، ولخرجی و تبذیر هزینه می‌شود، این امر هم موجب جلب اعتماد کامل مردم به دولت و هم جلب مشارکت مردم در کمک به دولت در اجرا و پیاده‌سازی برنامه‌های اقتصادی و اجرایی کشور می‌شود.

پنجم- سیاست تقویت زیرساخت‌های تأمین مالی، عقل عمومی بر این امر صحنه می‌گذارد که زمینه‌های قانونی لازم جهت تأمین مالی صنعت نفت توسط مجلس ایجاد شود. به این منظور تقویت صندوق توسعه ملی ضروری است. تأمین هزینه‌های ریالی برخی از طرح‌ها در این صنعت از طریق اوراق مشارکت و یا سایر سازوکارهای تأمین مالی امکان‌پذیر است. از این‌رو صنعت نفت کشور نباید منتظر و معطل سرمایه‌گذاری خارجی باشد، بلکه از راه سرمایه‌گذاری خرد و کلان داخلی در صنعت نفت و گاز منابع مالی قابل تأمین است. به‌دلیل اینکه تأمین منابع مالی طرح‌ها و پروژه‌های این صنعت بسیار سرمایه‌بر است، مشارکت مردم و فعالان اقتصادی و شرکت‌های داخلی در سرمایه‌گذاری می‌تواند نقش بسزایی در تأمین مالی این صنعت داشته باشد. بی‌شک این امر محتاج شفافیت و اطلاع‌رسانی صحیح و آگاه‌سازی دقیق به مردم است. در خصوص تأمین مالی دولت می‌تواند با ارائه سهام ممتاز و اوراق مشارکت با سود تضمین‌شده، مردم را تشویق به سرمایه‌گذاری در این صنعت کند و از این طریق سرمایه‌های سرگردان را به سمت تولید و اشتغال هدایت کند. دولت‌ها تاکنون در این زمینه توفیق چندانی نداشته‌اند.

ششم - سیاست خصوصی سازی (به عنوان یک نسخه شفاف بخش موجب شکستن انحصار دولتی می شود) (Warner, Mildred E. And Bel, Germa.2008: 724) به حکم عقل عمومی یکی دیگر از راه های جذب سرمایه در صنعت نفت و گاز است که بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی شرکت های صنایع پایین دستی این صنعت به بخش خصوصی واگذار شود. به طور مثال پتروشیمی ها و ان.جی.ال ها که می توانند سهم بسزایی در جلوگیری از سوزانده شدن گازهای همراه نفت و عدم اتلاف منابع و همچنین عدم آلودگی زیست محیطی داشته باشند. این امر نیز نیازمند توجه جدیدی و تصمیمات به موقع مسئولان است که می تواند ارزش افزوده و ارزآوری را برای کشور به همراه داشته باشد که باز هم منافع مالی آن نصیب کشور و مردم می شود. البته در این مورد هم هرگز نباید فراموش شود که اصل بر مالکیت و منافع عمومی است.

هفتم - سیاست استفاده بهینه از منابع مالی و حفظ سرمایه های ملی برای نسل های آینده، به موجب تبصره ۱ قانون بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور (مصوب ۱۴۰۱/۱۲/۲۴ مجلس شورای اسلامی) سهم صندوق توسعه از منابع حاصل از صادرات نفت، میعانات گازی و خالص صادرات گاز ۴۲ درصد تعیین شده است. اما کار هوشمندانه و عقلایی آن است که قانونگذار<sup>۱</sup> دولت را از برداشت منابع صندوق توسعه ملی منع کند، همچنین این درصد هرچه زودتر باید افزایش پیدا کند تا از اتلاف سرمایه های کشور جلوگیری و منابع حاصل از صادرات نفت صرف هزینه های جاری دولت نشود، بلکه با تبدیل آن به سرمایه گذاری های مطمئن از سود آن استفاده شود. به نظر می رسد تا رسیدن به آن نقطه راه طولانی در پیش است. بی شک بهره مندی از مزایای تحقق این امر (حفظ اصل و ارزش منابع مالی حاصل از فروش نفت) هم شامل نسل کنونی و هم آیندگان خواهد شد.

## ۵.۲. ارزیابی عملکرد مسئولان در رعایت حقوق مالی مردم صنعت نفت و گاز

در ارزیابی عملکرد مسئولان در اجرای وظایف ذاتی خود در مواجهه با حقوق مالی مردم با توجه به عقل عمومی در این بخش به برخی مصادیق آن اشاره می کنیم:

اول - توجه به بهینه سازی تولید و جلوگیری از اتلاف منابع در جریان استخراج، تبدیل، انتقال و توزیع نفت و گاز به حکم عقل عمومی ضروری است. ارزیابی عملکرد وزارت نفت در این خصوص بیانگر آن است که توجه کافی به این امور نمی شود. میزان کل تلفات مراحل فرآوری، تبدیل، انتقال و توزیع انرژی در سال ۱۳۹۶ معادل ۵۹۰/۱۹ میلیون بشکه نفت خام، در سال ۱۳۹۷ این میزان معادل ۵۶۴/۸۳ میلیون بشکه نفت خام، در سال ۱۳۹۸ این میزان معادل ۵۵۶/۵۱ میلیون بشکه نفت خام و در سال ۱۳۹۹ این میزان معادل ۵۶۷/۶۳ میلیون بشکه نفت خام بوده است (ترازنامه هیدروکربوری کشور سال ۱۳۹۹،

۱. در صورت بازنگری قانون اساسی و اختصاص اصلی به صندوق توسعه ملی و ممنوعیت دولت از برداشت منابع مالی این صندوق.

جدول ۱ ترازنامه، کل تلفات بخش‌های مختلف فرآورش، تبدیل، انتقال و توزیع انرژی). در صورتی که تولید نفت و گاز به شکل بهینه انجام گیرد، علاوه بر صیانت از منابع طبیعی تجدیدناپذیر ضمن توجه به منافع عمومی از اتلاف این منابع نیز جلوگیری می‌شود.

دوم- در مورد قیمت خوراک تحویلی به پتروشیمی‌ها نباید به گونه‌ای عمل شود که نتیجه آن غفلت از حق مالکیت و عواید حاصل از فروش آن که متعلق به عموم مردم است، گردد و تنها عده‌ای خاص از منافع آن برخوردار شوند. در دو سال اخیر ما شاهد اصلاح قیمت خوراک تحویلی به پتروشیمی‌ها و توجه بیشتر به حقوق مردم در این بخش هستیم. حال باید دید که جایگاه رعایت حقوق و منافع مردم کجاست؟ و چه کسانی از اصلاح قیمت خوراک پتروشیمی‌ها سود بردند؟ بی‌شک تصمیم‌گیری در خصوص مسائل مالی در این حوزه به سیاست منطقی، اصولی مشخص و ثابتی نیاز دارد. اما اگر افزایش یا کاهش این نرخ بر اساس التهابات بازار غیررسمی ارز (در سال ۱۴۰۳ شاهد رسیدن قیمت دلار به بیش از ۶۰ هزار تومان بودیم) باشد و نه مبتنی بر نرخ واقعی ارز به نظر می‌رسد این تصمیم به ایجاد یکی دیگر از مصادیق فساد و رانت در داخل کشور منجر می‌شود. ریشه این موضوع را باید در نوع تفکر و عمل مسئولان جست‌وجو کرد. اگر اصل را بر حق مالکیت مردم بر منابع نفت و گاز و همچنین مالکیت خوراک تحویلی به پتروشیمی‌ها و لزوم برخورداری عموم مردم از منافع حاصل از فروش محصولات این بخش و قیمت منصفانه محصولات پتروشیمی را در بازار داخلی بدانیم و نه منافع خصوصی عده‌ای خاص که فقط به فکر منافع خود هستند. در این صورت باید اصل را بر تقدم حقوق و منفعت عمومی گذاشت و سایر عوامل و عناصر را فرعی محسوب کرد. البته این امر منافی با تحصیل منافع معقول از فروش محصولات پتروشیمی در بازار داخلی و یا فروش ارز حاصل از صادرات محصولات پتروشیمی برای پتروشیمی‌ها و سهامداران آن نیست، بلکه باید اصل و اولویت بر آن قرار گیرد که قسمت عمده عواید حاصل از فروش این محصولات سهم مردم به‌عنوان مالکان اصلی این اموال (خوراک تحویلی به پتروشیمی‌ها به‌عنوان ماده اولیه و لازم جهت تولید محصولات) است و نه شخص یا اشخاص خاص و نه دولت؛ از سوی دیگر بازگشت ارز حاصل از فروش این محصولات به چرخه مالی کشور نه دلیلی برای منت گذاشتن، بلکه یک وظیفه قانونی است. به نظر می‌رسد در مورد محصولات مصرفی پتروشیمی در کشور نیز اگر دولت به شکل منطقی قصد اتخاذ و اعمال صحیح سیاست‌های تشبیتی را دارد، باید از ابتدا تا انتهای زنجیره ارزش یعنی تا رسیدن محصول نهایی به دست مردم سازوکار نظارتی را تعریف (روزنامه تعادل، ۱۴۰۲/۰۱/۱۸) و نظارت کامل خود را اعمال کند. در غیر این صورت نتیجه عملی این کار چیزی جز بهره غیرمعارف و احیاناً سوءاستفاده مالی عده‌ای خاص از افزایش قیمت معادل ریالی دلار و افزایش قیمت‌های محصولات پتروشیمی، توسط پتروشیمی‌ها و ایجاد رانت در این زنجیره و بروز عدم نفع عمومی و نادیده گرفتن حق مالکیت و تضییع و تجاوز به حقوق مردم نخواهد بود. سرانجام نرخ ارز پتروشیمی‌ها برای یکسان‌سازی

نرخ و جلوگیری از سوءاستفاده عملی شد و تسعیر قیمت حواله خوراک محصولات پالایش و پتروشیمی با نرخ ۳۷ هزار ۵۰۰ تومان انجام می‌شود.

سوم- عقل عمومی ایرانیان دلالت بر آن دارد که بی‌توجهی به بهره‌برداری از میادین نفتی و گازی مشترک با همسایگان به دلایل غیرمنطقی موجب تضییع حقوق عامه و جفا به مردم است. تأخیر در بهره‌برداری از میادین مشترک (مانند میدان نفتی فروزان در صد کیلومتری جنوب غربی جزیره خارک که بین ایران و عربستان مشترک است، برداشت روزانه از این میدان مشترک توسط ایران روزانه در حدود ۳۰ هزار بشکه است، درحالی‌که عربستان روزانه ۵۵۰ هزار بشکه از این میدان برداشت می‌کند، همچنین در میدان گازی فرزاد A و B در سمت ایران و مرجان، حصبه و عربیا در سمت عربستان برداشت از این میدان موجب کاهش فشار مخزن در سمت ایران شده است) (تجارت نیوز، ۱۴۰۲/۰۱/۲۳). شایان ذکر است که عدم بهره‌برداری از میادین گازی از طرفی سبب مهاجرت گاز به دلیل افت فشار به سمت همسایه می‌شود و از سوی دیگر حتی توجیه و اولویت اقتصادی برای بهره‌برداری را نیز از بین خواهد برد. بدیهی است که بهره‌برداری چندین برابری همسایگان از میادین مشترک موجب ضرر

مالی جبران‌ناپذیر به کشور و مردم خواهد شد. با نگاه به عملکرد وزارت نفت، طی سال‌های گذشته در عمل ما شاهد عقب‌ماندگی در توسعه و تولید حداکثری از میادین مشترک با کشورهای مانند عراق و عربستان و در نتیجه مهاجرت ذخایر هیدروکربوری به طرف کشورهای رقیب و همسایه و در نهایت ایجاد خسارت و به یغما رفتن ثروت ملی هستیم. بنابراین بسیار ضروری است که برای جلوگیری از ضرر بیشتر توسعه و برداشت از میادین مشترک و تبدیل آن به سرمایه‌های مولد ثروت در اولویت وزارت نفت قرار گیرد. چهارم- شفافیت و پاسخگویی مسئولان در برابر مردم از شاخصه‌های حکمرانی خوب و از مطالبات مردم و همسو با عقل عمومی جامعه است. درحالی‌که شرکت‌های نفتی بین‌المللی عملکرد مالی سالانه خود را منتشر می‌کنند، در ایران هیچ‌گونه خبری از اطلاعات مالی شرکت ملی نفت ایران (میزان سود و زیان و یا ترازنامه مالی یا حتی دارایی‌های این شرکت در دسترس عموم مردم) وجود ندارد. از این‌رو در عمل نظارت و ارزیابی عملکرد مالی این شرکت غیرممکن است. کوتاهی مسئولان در ارائه اطلاعات و آمار به‌خوبی مشهود و بعضاً ما شاهد اخبار ناقص و متناقضی در این خصوص هستیم که این امر اعتماد مردم را مورد خدشه قرار می‌دهد. از آنجایی که نفت در اختیار این شرکت متعلق به عموم مردم ایران است، بنابراین لازم و ضروری است که اطلاعات آن به‌طور شفاف در اختیار مردم گذاشته شود تا مردم نحوه فروش سرمایه ملی خود را رصد و مشاهده کنند. اما اطلاعات دقیقی از مبلغ فروش نفت در دسترس مردم نیست، مسئولان دلیل این امر را محرمانه بودن به دلیل سوءاستفاده دشمنان اعلام می‌کنند.

در پاسخ باید گفت که در برخی موارد و مقاطع زمانی ممکن است که عدم انتشار اطلاعات ضروری و مطابق با مصالح و منافع مردم و کشور باشد. اما این امر را نمی‌توان برای همیشه و به همه موارد تعمیم

داد و به آن استناد کرد، زیرا ممکن است، به طور خواسته و یا ناخواسته تخلفاتی صورت گیرد و در سایه عدم وجود نظارت، فسادهای مالی احتمالی رخ دهد. از آنجایی که اصل بر التزام همگان بر قانون و رعایت حقوق مردم است، از این رو ضروری است که قوه مقننه موارد ایجاد محدودیت در ارائه اطلاعات و آمار را مشخص کند و در بقیه موارد به طور شفاف اطلاعات در اختیار دستگاه‌های نظارتی و مردم گذاشته شود تا عملکرد شرکت ملی نفت قابل ارزیابی و نظارت باشد.

پنجم- با توجه به اینکه مالکیت منابع نفتی متعلق به عموم مردم ایران است. بنابراین مردم حق دارند از فرآورده‌های نفتی نیز با قیمت مناسب و به اندازه مصرف معقول برخوردار شوند. یکی از اقتضات عقل عمومی جامعه استفاده برابر از منابع طبیعی نفت و گاز و فرآورده‌های آن، همچنین متعادل بودن قیمت آنها برای مصارف داخلی، به عنوان یکی دیگر از جلوه‌های رعایت حقوق مردم در منابع نفت و گاز است. بنزین به عنوان یکی از مهم‌ترین و پرمصرف‌ترین فرآورده‌های نفتی و یک کالای راهبردی مطرح است که تقاضای زیادی برای مصرف آن در کشور وجود دارد. هرچند که همه مردم به طور مستقیم از آن استفاده نمی‌کنند، لیکن به طور غیرمستقیم از آن بهره‌مند شده و اقتصاد کشور و معیشت مردم از تبعات آن متأثر می‌شوند. همچنین دولت سالانه برای تولید یا واردات آن مبالغی از بودجه را به آن اختصاص می‌دهد (در صورت عدم افزایش تولید و عدم تولید خودروهایی کم‌مصرف و عدم ترویج فرهنگ مصرف بهینه سوخت در کشور و زیاده‌روی در مصرف بنزین، در آینده نهندندان دور به واردکننده عمده بنزین تبدیل خواهیم شد و بخش زیادی از بودجه دولت به واردات بنزین اختصاص خواهد یافت. اما با کنترل این امر می‌توان به صادرکننده بنزین تبدیل شده و از این طریق منابع مالی خوبی نصیب کشور شود). از این رو دولت و مجلس نباید به گونه‌ای عمل کنند که شائبه گرانی قیمت بنزین و برهم خوردن آرامش جامعه به وجود آید و هم‌زمان با فرهنگ‌سازی، مصرف بهینه بنزین را در کشور ترویج دهند. امروزه با توجه به مصرف روزافزون بنزین در ایران ارائه الگوی جدید بهینه‌سازی مصرف سوخت، همچون توسعه سوخت‌های جایگزین مانند (سی.ان.جی)، استانداردهای موتورهای مورد استفاده در خودروها و افزایش تولید بنزین، بازسازی و بهینه‌سازی پالایشگاه‌ها یک ضرورت است.

به عنوان یک سنت ناپسند در انتها یا ابتدای هر سال زمزمه‌هایی برای گران شدن قیمت بنزین به گوش می‌رسد. توجیهی که برای این افزایش قیمت ذکر می‌شود، عمدتاً به دو امر برمی‌گردد: اول- کاهش مصرف بی‌رویه بنزین، دوم- جلوگیری از قاچاق بنزین به کشورهای همسایه، دلیلی که برای این امر ذکر می‌شود، تفاوت قیمت بنزین در ایران با همسایگان است. برای روشن شدن مطلب لازم است به حکم عقل سلیم دلایل این امر به شکل کامل ریشه‌یابی شود.

افزایش تقاضا برای مصرف بنزین به دلایل گوناگون اتفاق می‌افتد:

الف) تولید روزافزون خودروهای بی کیفیت و غیراستاندارد توسط خودروسازان داخلی که اغلب دولتی‌اند (با مصرف بالای بنزین)، این امر به مفهوم زیر پا گذاشتن حقوق مصرف‌کنندگان است و از سوی دیگر مردم نیز چاره‌ای جز خرید این خودروهای بی کیفیت را ندارند. هرچند که در سال ۱۴۰۲ طرح واردات خودروهای خارجی هم کلید خورده که تعداد آن شایان توجه نیست، افزون بر این به دلیل قیمت‌های بالا امکان خرید آن توسط عموم مردم نیز وجود ندارد. از این‌رو خودروسازان داخلی در سال‌های گذشته نیاز و توجهی برای اصلاح معایب و ارتقای کیفیت خودروهای تولیدی خود نمی‌دیدند. اما سرانجام در سال ۱۴۰۲ طبق برنامه راهبرد پنجم، وزارت صمت در سومین اقدام خود خودروسازان را موظف کرد که تا پایان تیرماه استانداردهای ۸۵ گانه ابلاغی را اجرا کنند. به نظر می‌رسد خودروسازان به سمت بهبود کیفیت و استانداردسازی با توجه به هزینه‌بر بودند آن در حال حرکت هستند، اما این امر از سوی دیگر موجب افزایش مجدد قیمت خودروها شده است.

ب) نبود برنامه اجرایی برای جایگزینی خودروهای فرسوده که سهم زیادی در آلودگی هوا و مصرف بنزین دارند. اگر خودروهای و سایر وسایل فرسوده اسقاط شوند، حداقل ۳۳ میلیون لیتر بنزین صرفه‌جویی می‌شود. یعنی نه تنها واردات نخواهیم داشت، بلکه می‌توانیم این میزان سوخت را ذخیره و یا صادر کنیم. به عبارت دیگر تهدید جدی مصرف بالای سوخت با اسقاط خودروهای فرسوده به فرصت تبدیل خواهد شد و کشور می‌تواند از منابع ارزی حاصل از صادرات نیز استفاده کند (خبر آنلاین، ۱۴۰۲/۰۲/۰۵).

ج) تشویق مردم به سفر در ایام و به مناسبت‌های مختلف در طول سال که موجب افزایش تقاضا مصرف بنزین می‌شود.

د) ضعف سیستم حمل‌ونقل عمومی و مجبور شدن مردم به استفاده از خودروهای شخصی و ایجاد ترافیک‌های طولانی و در نتیجه هدر رفتن پول و وقت مردم و مصرف بیشتر بنزین می‌شود. به نظر می‌رسد که دولت‌ها تاکنون در اجرای بند «و» تبصره ۱۳ قانون بودجه سال ۱۳۸۶ در خصوص چهار راهکار کاهش مصرف بنزین (۱. از رده خارج کردن خودروهای فرسوده و بهبود فرایند کیفی خودرو، ۲. استفاده از سوخت جایگزین، ۳. توسعه همه‌جانبه حمل‌ونقل عمومی، ۴. مدیریت و کاهش تقاضای سفر) به جز مورد آخر موفقیت‌چندانی نداشته‌اند (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۲).

اما در مورد اینکه افزایش تقاضا برای مصرف بنزین و بی‌توجهی به حقوق مردم چه نتایجی به همراه خواهد داشت باید گفت:

الف) مصرف بی‌رویه بنزین در خودروهایی غیراستاندارد و خودروهای فرسوده که اغلب آلاینده نیز هستند، سبب آلودگی هوای کلان‌شهرها و به خطر افتادن جان مردم می‌شود. همچنین با افزایش مصرف، کیفیت بنزین تولید داخل جهت تأمین نیاز کشور کاهش می‌یابد که این امر آلودگی هوا را به همراه دارد.

ب) افزایش سوانح و تصادفات جاده‌ای در ایام تعطیلات که نتیجه آن افزایش آمار جان‌باختگان در این ایام است. این موضوع نیز به سه دلیل عمده اتفاق می‌افتد، نقص خودروهای تولیدشده غیراستاندارد داخلی، نقص راه‌ها و جاده‌های کشور که دارای نقاط حادثه‌خیز زیادی هستند و عدم برطرف کردن کامل این نواقص توسط مسئولان و سرانجام مهارت ناکافی رانندگان برای راندگی در جاده‌های برون‌شهری طی سال‌های گذشته و جاری (بر اساس اعلام رئیس پلیس راهور ناجا از ۲۴ اسفندماه ۱۴۰۱ تا ۱۳ فروردین‌ماه ۱۴۰۲، ۸۲۱ نفر در صحنه تصادفات جان خود را از دست دادند) (اقتصاد نیوز، ۱۴/۱/۱۴۰۲) که تلفات جانی زیادی را نیز به‌همراه داشته است. اما به گفته سرهنگ احمد شیرانی رئیس مرکز اطلاعات و کنترل ترافیک پلیس راهور ناجا در بازه زمانی ۲۴ اسفندماه ۱۴۰۲ تا ۱۴ فروردین‌ماه ۱۴۰۳، ۸۱۳ نفر در تصادفات نوروزی جان خود را از دست دادن و ۲۱ هزار ۴۴۱ نفر دچار مصدومیت شدند (عصر ایران، ۱۴۰۳/۱/۱۵).

ج) هدر رفتن بودجه عمومی دولت و در نتیجه از بین رفتن منابع مالی کشور که می‌تواند صرف مخارج ضروری‌تر مانند سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های کشور، ایجاد اشتغال و در نتیجه توسعه، پیشرفت و آبادانی کشور و رفاه مردم شود. حال سؤال مهمی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که افزایش قیمت بنزین، چه تبعات منفی را بر اقتصاد کشور و مردم تحمیل می‌کند؟ آیا افزایش قیمت بنزین راه‌حل مناسبی برای کاهش مصرف و یا قاچاق آن است؟

جواب عقل عمومی جامعه به این سؤال این است که افزایش قیمت بنزین به بهانه قاچاق آن منطقی و عقلایی نیست. بلکه دلیلی بر ضعف و ناتوانی در مدیریت تولید و مصرف و جلوگیری از قاچاق آن است. بدیهی است که افزایش قیمت بنزین در شرایط کنونی در تضاد کامل با شعار سال یعنی مهار تورم و رشد تولید بوده و به دلیل متضرر شدن عموم مردم به‌واسطه افزایش قیمت بنزین و تأثیر مستقیم این اضافه‌بها بر تمام شاخصه‌های اقتصادی از جمله تولید و خدمات در کشور، کار صحیحی به‌نظر نمی‌رسد. از این‌رو ضروری است که دولت و مجلس به این امر توجه کامل مبذول دارند و در اظهارنظرهای خود به‌گونه‌ای عمل نکنند که این تصور در جامعه به‌وجود آید که به‌دنبال زمینه‌سازی و سنجش افکار عمومی جهت عملی کردن گرانی قیمت بنزین هستند، بلکه باید همواره در پی راه‌های دیگری برای افزایش درآمدهای دولت بوده که کمترین خسارت و برخورد را با معیشت روزمره مردم داشته باشد تا از این طریق مانع از فشار مضاعف و تحمیل مشکل جدیدی بر مشکلات اقتصادی کشور و مردم شوند.

در واقع پیش‌شرط افزایش قیمت‌های بنزین افزایش درآمد سرانه مردم است که در حال حاضر با وجود مشکلات اقتصادی کشور که آحاد مردم با آن دست به‌گیریان هستند تورم‌زا و به‌دلیل تأثیر سریع آن بر روی قیمت‌ها کار عقلایی نیست. از این‌رو مقایسه تفاوت قیمت بنزین در ایران با کشورهای همسایه با توجه درآمد سرانه بالاتر آنها صحیح نیست. به‌طور مثال درآمد سرانه در ترکیه ۲۲ هزار دلار به

ازای هر نفر است درحالی که درآمد سرانه در ایران به ازای هر نفر ۶ هزار دلار است (آفتاب نیوز، ۱۴۰۲/۰۱/۰۸).

ششم - یکی دیگر از اموری که مخالف صریح عقل عمومی و حقوق مردم و بلکه تضییع کننده آن است، اعلام فروش نفت به مردم با گواهی سپرده کالایی نفت در بورس انرژی است. به نظر می رسد این امر در نگاه اول ظاهر فریبنده ای دارد، لیکن بیشتر شبیه به قصه است تا واقعیت، اینکه مدیر عامل سابق شرکت ملی نفت ایران اعلام می کند در مرحله اول روزانه صد هزار بشکه نفت خام را از طریق انتشار اوراق گواهی سپرده کالایی نفت در بورس به فروش می رسانیم و از آن به عنوان ابزاری جدید در بخش صادرات نفت نام برده می شود که دارنده هریک از این ورقه های سپرده مالک نفت است (خبر آنلاین، ۱۴۰۱/۱۱/۱۹). اعلام این مطلب که مردم هم می توانند نفت بخرند و اینکه نفت خریداران این ورقه ها در انبارهای مربوطه نگهداری شده و زمانی که به یک محموله برسد، این محموله تحویل خواهد شد.

حال سوآلی که به حق در اینجا مطرح می شود، این است که منظور از مردم چه کسانی هستند؟ آیا منظور از مردم مالکان واقعی منابع نفتی است که همگی باید از عواید آن بهره مند شوند؟ آیا همه مردم توان خرید این اوراق را دارند؟ آیا منظور از مردم افراد خاص و ایجاد رانت برای اشخاص خاص نیست؟ آیا پس از خرید این اوراق هرچند به تدریج و تبدیل شدن آن به یک محموله، مردم عادی توان فروش و صادرات آن را در سطح بین المللی دارند؟ آیا در زمانی که خود دولت بر اثر تحریم ها در فروش و صادرات نفت با مشکل روبه روست،

مردم عادی توان انجام چنین کاری را دارند؟ مردم عادی چگونه می خواهند، با توجه به تحریم های مالی و مشکلات تبادلات بانکی، پول نفت خود را دریافت کنند؟ به نظر می رسد استفاده ابزاری از نام مردم برای در اختیار قرار دادن نفت به اشخاص خاص مانند بایک زنجانی ها هم خلاف اخلاق است و هم خلاف حقوق مردم باشد و به نوعی شانه خالی کردن از وظایف قانونی توسط دولت به عنوان امین مردم که منابع نفتی را در دست دارد، است. در عمل نتیجه ای که از انجام این کار حاصل می شود، چیزی جز تضییع حقوق مردم و ایجاد رانت برای اشخاص خاص و سوء استفاده از نام مردم جهت توجیه قانونی برای کسب سود شخصی نخواهد بود. اینکه برای فروش نفت به هر شکل ممکن منافع و حقوق مردم را پایمال کنیم، عقلانی به نظر نمی رسد.

شایان ذکر است در مرحله اول این طرح افراد حقیقی نمی توانند این گواهی را خریداری کنند و تنها فعالان اقتصادی حقوقی، شرکت ها و نهادهایی که کد بورسی حقوقی دارند، می توانند نسبت به خرید این گواهی ها در بورس اقدام کنند (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۲/۱/۱۹). در واقع عملاً کلمه مردم مفهومی ندارد. بهتر بود، به جای استعمال کلمه مردم، اجازه فروش به کسانی که صلاحیتشان احراز و توانایی خرید و فروش نفت را دارا هستند، ذکر می شد. علاوه بر آن در راستای تحقق حقوق مردم به عنوان مالکان نفت

درصد معین و قابل قبولی از سود حاصل از فروش نفت به عنوان مالیات بر فروش نفت اخذ شود. این امر مبتنی بر صیانت دولت از منافع مردم در منابع نفتی و وظیفه ذاتی شرکت نفت در فروش نفت است.

هفتم - خدشه بر حق مالکیت مردم در منابع طبیعی نفت و گاز به هیچ شکل جایز نیست. در این مقاله سعی شد با استناد به قانون اساسی و استنباط حقوقدانان از اصول آن و سایر قوانین، عقل عمومی، همچنین نظرهای کارشناسان و صاحب نظر صنعت نفت، مالکیت مردم را بر منابع نفت و گاز را به عنوان یک حق اثبات کنیم و لزوم به رسمیت شناختن و احترام به این حق توسط حکومت را در عمل مورد تأکید قرار دهیم. اما باز در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور مشاهده می کنیم که این حق مورد خدشه قرار گرفته است، به موجب بند «ب» تبصره ۴ این لایحه ۱۳۶ همت به عنوان تقویت بنیه دفاعی نیروهای مسلح در نظر گرفته است که یا به صورت نقد یا حسب توافق با ستاد کل نیروهای مسلح از طریق شرکت ملی نفت در قالب حواله نفت خام یا میعانات گازی به آن ستاد تخصیص دهد. این در حالی است که به موجب ماده ۵ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران تجارت نفت در داخل و خارج کشور موضوع فعالیت این شرکت است. از آنجایی که فروش نفت کار تخصصی است، سپردن وظیفه فروش آن به سایر دستگاهها صحیح به نظر نمی رسد. به علاوه وجود فروشندگان متعدد نفت کشور احتمال کاهش قیمت نفت در معاملات را بالا می برد. ضروری است نگرش مسئولان نسبت به عمل به وظایف قانونی و مالکیت منابع طبیعی نفتی و گازی تغییر کرده و آنها به این باور و یقین برسند که این منابع جزء اموال عمومی و متعلق به عموم مردم هستند و نه اموال دولتی و تنها در این صورت است که می توان انتظار داشت که حقوق مردم به شکل کامل در این اموال محقق شود.

## ۶. نتیجه

در این مقاله سعی شد که با ارائه الگوی جدید از عقل عمومی ایرانیان در حقوق مالی و مالکیت بر منابع طبیعی نفت و گاز نگاهی گذرا به فلسفه وجودی و کاربرد این اصطلاح به منظور تحقق حقوق مردم و نقش آن در تحقق حکمرانی منابع داشته باشیم. مسلماً عقل عمومی جامعه به شکل مستقیم به میزان فهم، شناخت و درک یک ملت از اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورشان و معادلات حاکم بر نظام بین المللی در این خصوص بستگی دارد. همچنین آگاهی و شناخت زمامداران از این شعور و خواسته های مردم به عنوان یک عامل بازدارنده از تخلفات و هدایت آنها به سمت عمل به وظایف قانونی است. از سوی دیگر مشارکت و نقشی که مردم در اداره امور کشورشان می توانند، ایفا کنند، چگونگی نظارت بر اعمال دولت و ارزیابی عملکرد دولتمردان، پیشگیری و مبارزه با فساد، شفافیت و پاسخگویی مالی دولت (در برابر افکار عمومی و نمایندگان ملت و نهادهای نظارتی) و انضباط مالی دولت از اهمیت ویژه ای برخوردارند. در این زمینه اموالی که متعلق به عموم مردم است، نباید توسط دولت

حیف و میل شود و یا توسط سودجویان و فرصت‌طلبان غارت شود. در یک حکمرانی شایسته احترام به حقوق مردم و نحوه صیانت از آن توسط حکومت بیانگر حاکمیت قانون و در اولویت قرار داشتن توسعه همه‌جانبه، رفاه و مصالح کشور و مردم است. پیام عقل عمومی ایرانیان به مسئولان توجه همه‌جانبه و همیشگی به حقوق مردم و اندیشیدن به عواقب تصمیمات و اعمال حکومت در همه امور است.

نقش مثبت عقل عمومی جامعه در جهت نظم‌بخشی، هدایت، قانون‌مداری و نظارت مؤثر بر اعمال زمامداران، حقیقتی تردیدناپذیر است. کاربرد عملی نظریه عقل عمومی در خصوص اداره منابع طبیعی نفت و گاز عبارت است از بهبود و ارتقای شاخص‌های حکمرانی شایسته (رسیدن به جایگاه برتر حکمرانی در منطقه در افق چندساله با توجه به اسلامی بودن نظام ایران مورد انتظار است)، بهبود شاخص‌های اقتصادی کشور و رفاه آحاد مردم، شکوفایی و پیشرفت صنایع داخلی و ایجاد اشتغال، حفظ و حمایت از نیروی کار متخصص و مولد داخلی، حفاظت و استفاده بهینه از سرمایه‌های کشور، حفظ و رعایت حقوق نسل‌های آتی از مواهب و ذخایر زیرزمینی، همگامی و همکاری متقابل مردم و حکومت در جهت رسیدن به اهداف مشترک و در یک کلام حرکت همه‌جانبه به سوی تعالی و توسعه سیاسی و اقتصادی و رسیدن به اهداف پیش‌بینی‌شده در قوانین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور است.

در ارزیابی عملکرد دولتمردان در سال‌های گذشته به نظر می‌رسد، نیاز به برداشتن گام‌های بلندتری در خصوص توجه به عقل عمومی ایرانیان و تحقق حقوق مردم در منابع طبیعی نفت و گاز در حد شأن ملت ایران وجود دارد. از این رو ضروری است که نظام با اتخاذ تدابیر عملی، عقلانی و فوری در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آتی (تدوین برنامه جامع سیاست انرژی کشور) این امر را در دستور کار خود قرار دهند.

برای نیل به این هدف، فقط دادن وعده مسئولان برای حل مشکلات صنعت نفت و گاز کشور کافی نیست، بلکه برنامه‌ریزی صحیح و اصولی، عمل به قوانین و اجرای برنامه‌های مصوب و عدم تأخیر در اجرای آنها می‌تواند در بهبود وضعیت موجود کارساز باشد. بدیهی است، تعلل در اجرای برنامه‌های مصوب به‌عنوان آفت مدیریت کارآمد و عاملی در جهت عقب‌ماندگی و عدم تحقق اهداف اقتصادی موردنظر قانونگذار در صنعت نفت بوده که نتیجه جزء عدم تحقق حقوق مالی و تضييع حقوق مردم در منابع نفت و گاز را در پی نخواهد داشت. به این منظور لازم است دولت ضمن پیشقدم شدن در پیشگیری از فساد، شفافیت و پاسخگویی، عمل به قانون و نظارت‌پذیری راه را برای نظارت عملی دستگاه‌های نظارتی و مردمی هموار سازد (نظارت بر اعمال حکومت) و از این طریق با جلب اعتماد عمومی، اصل را بر تأمین منفعت عمومی و احیای حقوق مالی مردم و رعایت مصلحت عمومی بگذارند. اخیراً اقداماتی توسط وزارت نفت و شرکت‌های تابعه در این خصوص صورت گرفته‌است، اما تنها در صورت همکاری کامل مقامات اجرایی وزارت نفت و شرکت‌های تابعه با دستگاه‌های نظارتی و استمرار آن نظارت مؤثر و موفق میسر خواهد شد.

اما در خصوص مبارزه با فساد در صنعت نفت، بر اساس عقل عمومی جامعه هنر و وظیفه حکومت و هر دولتی آن است که بتواند در برابر متجاوزان، فرصت طلبان و غارت گران که سالهاست با سوءاستفاده از نقاط ضعف و مشکلات کشور به اشکال گوناگون، مشغول به چپاول اموال عمومی اند از حقوق مردم دفاع کنند (توانایی دفاع از حقوق مردم به عنوان یک وظیفه قانونی) و مانع تضییع حقوق مردم شوند. از سوی دیگر دولت‌ها نیز نباید خودشان موجب اضرار به منافع و حقوق مردم شوند و تنها در این صورت است که دولت مردمی و خادم مردم مفهوم واقعی پیدا می‌کند.

## منابع

### ۱. فارسی

#### الف) کتاب‌ها

۱. خدابنده جهرمی، مریم؛ روشنفر، بابک؛ هوشمند، امیرحسین؛ ضرغامی، سیدصادق؛ خرم‌روز، طاهر (۱۴۰۱). *ترازنامه هیدروکربوری کشور سال ۱۳۹۹*. مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
۲. رحمت‌الهی، حسین؛ آقامحمدآقایی، احسان (۱۳۹۹). *نگاهی نو به مبانی حقوق عمومی*. چ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۷). *حقوق نفت و گاز*. چ چهارم، تهران: میزان.
۴. صالح احمدی، سعید (۱۴۰۰). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در نظم حقوقی کنونی*. چ اول، تهران: کتاب آوا.
۵. گرجی ازندریانی، علی اکبر (۱۳۹۶). *مبانی حقوق عمومی*. چ ششم، تهران: جنگل.
۶. مقدری، مهدی (۱۴۰۰). *حکمرانی خوب و توسعه: دیدگاه و یافته‌های دانیل کافمن درباره حکمرانی*. تهران: نگاه معاصر.

#### ب) مقالات

۷. امین‌زاده، الهام؛ نیک‌بخش شرفشاده، علی (۱۳۹۴). *مطالعه تطبیقی حق دولت‌ها بر مالکیت و حاکمیت منابع نفت و گاز*. *مطالعات حقوق انرژی*، (۱)، ۱-۱۶. DOI:10.22059/JRELS.2015.54549
۸. بهمنی، محمدعلی؛ آرن، محمد (۱۳۹۷). *مالکیت عمومی بر منابع نفتی و تأثیر آن بر انتخاب الگوی قراردادی در حوزه بالادستی صنعت نفت و گاز*. *مطالعات حقوق انرژی*، (۱)، ۱-۳۶. DOI:10.22059/JRELS.2018.251951.186
۹. پیله‌فروش، میثم؛ افشین، حسین؛ اژدری، علی اصغر؛ اسعدی، فریدون؛ مهرآما، ایرج؛ عظیم‌زاده، محمد (۱۳۹۸). *نظام تنظیم‌گری صنعت نفت و گاز ایران: ۱- ضرورت تنظیم‌گری. معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره ۱۶۷۸۴، ۱-۲۰. در: <https://rc.majlis.ir>*

۱۰. محمدی، علیرضا (۱۳۸۶). اجرای تبصره ۱۳ دیدگاه‌های متفاوت. ماهنامه گستره انرژی، (۴)، ۱۵-۱۲.
۱۱. محمدی، علیرضا (۱۴۰۲). نگاهی به نتایج مذاکرات آب‌وهوایی کاپ ۲۸. ماهنامه گستره انرژی، (۱۴۹)، ۳۹-۴۱.
۱۰. محمدی، علیرضا (۱۳۸۶). اجرای تبصره ۱۳ دیدگاه‌های متفاوت. ماهنامه گستره انرژی، (۴)، ۱۲-۱۵.  
[www.gostarehenergy.ir](http://www.gostarehenergy.ir)
۱۱. محمدی، علیرضا (۱۴۰۲). نگاهی به نتایج مذاکرات آب و هوایی کاپ ۸. ماهنامه گستره انرژی، (۱۴۹)، ۳۹-۴۱.  
[www.gostarehenergy.ir](http://www.gostarehenergy.ir)

### ج) خبر و وبسایت

۱۲. آفتاب نیوز، «مزمه‌های گرانی بنزین و هشدار کارشناسان نسبت به پیامدهای آن»، (۱۴۰۲/۱/۸)، به نشانی:  
<https://aftabnews.ir>
۱۳. اقتصاد نیوز، «آمار جدید مرگ و میر در تصادفات جاده‌ای نوروز ۱۴۰۲ اعلام شد»، (۱۴۰۲/۰۱/۱۴)، به نشانی:  
[Eghtesadnews.com](http://Eghtesadnews.com)
۱۴. تجارت نیوز، «کشف میادین نفتی ایران به نفع همسایگان»، (۲۳/۰۱/۱۴۰۲)، به نشانی:  
[Tejaratnews.com](http://Tejaratnews.com)
۱۵. خبر آنلاین، «فروش نفت به مردم با گواهی سپرده در بورس انرژی؟»، (۱۴۰۱/۱۱/۱۹)، به نشانی:  
<https://khabaronline.ir>
۱۶. خبر آنلاین، «بلعیدن سالانه ۱۰۰ هزار میلیارد تومان توسط خودروهای اسقاطی/ ۴۵ درصد از خودروهای کشور فرسوده هستند»، (۵/۲/۱۴۰۲)، به نشانی:  
<https://khabaronline.ir>
۱۷. خبرگزاری فارس، «امکان گسترش مبادی فروش نفت با گواهی سپرده کالایی نفت خام»، (۱۴۰۲/۰۱/۱۹)، به نشانی:  
[Farsnews.ir](http://Farsnews.ir)
۱۸. روزنامه تعادل، «دلار ۲۸۵۰۰ به رانت ختم می‌شود»، (۱۴۰۲/۰۱/۱۸)، به نشانی:  
<https://www.taadolnewspaper.ir>
۱۹. عصر ایران، «۸۱۳ کشته و ۲۱ هزار مصدوم؛ آمار اولیه تصادفات نوروز ۱۴»، (۱۴۰۳/۰۱/۱۵)، به نشانی:  
[Asriaran.com](http://Asriaran.com)

## ۲. انگلیسی

### A) Articles

1. Stephen G. Breyer, (1979). Analyzing Failure: Mismatches, Less Restrictive Alternatives Reform". in: *Harvard Law Review*, 92(3), 549-609, <https://jstor.org>.
2. Warner, Mildred E., & Bel, G. (2008). Competition or Monopoly? Comparing Privatization of Local Public Services in The US and Spain. *Public Administration*, Vol.86, (3), 723-735, <https://onlinelibrary.wiley.com>.

### B) International Documents

3. The Independent Commission on Good Governance in Public Services, "The Good Governance Standard for Public Services", 28 July 2005, *Hackney Press Ltd*, 1. London, <https://portal.tcu.gov.br>.